

عدالت آموزشی
به‌مثابهمهارت‌آموزی در مناطق
عشایری

اشاره

آموزش و پرورش عشایر که با نگاهی آرمانی و عدالت‌محور راه‌اندازی شده، از دو منظر حائز اهمیت است: یکی از منظر «عدالت» که گروهی لازم‌التوجه و خاص را هدف قرار داده است و دیگری از منظر «توجه به یافته‌های علمی» که برنامه‌ریزی باید منطقه‌ای باشد و ذی‌نفعان خود در برنامه‌ریزی‌ها مشارکت داشته باشند. علاوه بر این، در طراحی برنامه‌های درسی و آموزشی نباید از نیازهای فراگیرندگان، موضوع‌های درسی و جامعه هدف غفلت ورزید. زیرا ایران کشوری است با تمدن و فرهنگ غنی، شامل خرده‌فرهنگ‌هایی از اقوام مختلف که نیازهای گوناگون دارند و ویژگی‌های اقلیمی و فرهنگشان متفاوت است. بنابراین چندفرهنگی حاکم بر

جامعه باید در اولویت طراحی‌ها قرار گیرد. امروز که دهه پنجم انقلاب اسلامی و به تعبیری گام دوم انقلاب آغاز شده است و پیشرفت و عدالت از هدف‌های آرمانی این دهه محسوب می‌شود، لازم است به حرفه‌ای شدن نیروی انسانی که سرمایه اصلی هر کشور و پیشران توسعه و عدالت است، توجه ویژه داشته باشیم. در این مقاله تلاش کرده‌ام، به ویژگی‌های جامعه عشایری اشاره کنم و نحوه ارائه خدمات آموزشی در این مناطق را شرح دهم. در نهایت هم با گزارش وضعیت رشته مهارت‌های موجود در مناطق عشایری، یک چالش سیاست‌گذاری آموزشی را بررسی کنم.

کلیدواژه‌ها:

عدالت آموزشی، آموزش عشایر، فنی و حرفه‌ای

جامعه عشایری

جامعه عشایری در کنار دو جامعه شهری و روستایی، به عنوان یکی از سه الگوی زیستی موجود در کشور، از پیشینه تاریخی عمیق و گسترده‌ای برخوردار است. این جامعه به عنوان بخشی از مردم سرزمین ایران اسلامی، در طول تاریخ همواره نقش آفرین بوده و با برخورداری از ویژگی‌هایی نظیر وفاداری، صداقت، مهمان‌نوازی، وطن‌دوستی و دین‌باوری، همیشه پویا و پرتلاش و در عرصه‌های تولید و توسعه نیز مؤثر بوده است.

«جوامع عشایری جوامعی هستند که در ارتباط مستقیم با طبیعت زندگی می‌کنند و یکی از ابتدایی‌ترین شیوه‌های زندگی انسان‌ها را دارند. منبع اصلی تأمین معیشت عشایر، دامداری به روش چرای آزاد است که این شیوه زندگی، عشایر را به کوچ‌روی و امی دارد» [امیرعزادی، ۱۳۸۵: ۷۴].

برخی از ویژگی‌های مردم عشایر که با این مقاله در ارتباط‌اند، عبارت‌اند از:

- ❖ اتکای معاش به دامداری و دام‌پروری؛
- ❖ ساختار اجتماعی قبیله‌ای (تشکیلات ایلیاتی، و پیوستگی و هم‌بستگی‌های قومی)؛
- ❖ شیوه زندگی با تأکید بر شبانی مبتنی بر کوچ (حرکت از بیلاق به قشلاق و برعکس برای یافتن چراگاه‌های طبیعی)؛
- ❖ زندگی در سیاه‌چادر؛
- ❖ حرکت در مسیرهای صعب‌العبور و عموماً مال‌رو؛
- ❖ اتراق و اسکان در فضاها بکر و طبیعی؛
- ❖ نبود تقویم ثابت و یکسان برای کوچ.

همین ویژگی‌ها آموزش و پرورش را با

چالش‌هایی به این شرح روبه‌رو ساخته است:

- ❖ استهلاک زیاد تجهیزات و دسترسی مطلوب نداشتن به امکانات؛

- ❖ مشکل نگهداشت نیروی انسانی و درخواست‌های مکرر برای انتقال؛
- ❖ تناسب نداشتن کتاب‌های درسی با فرهنگ و زندگی عشایری؛
- ❖ کاربردی نبودن آموزش‌ها با نیازهای جامعه عشایری؛
- ❖ کوتاهی زمان آموزش به دلایل اقلیمی و کوچ‌های طولانی؛
- ❖ دسترسی نداشتن به موقع به دانش‌آموزان و خانواده‌ها.

چالش‌های مذکور شیوه‌های ارائه خدمات آموزشی در مناطق عشایری را متنوع می‌سازند که به سه صورت زیر امکان‌پذیر است:

۱. به صورت سیار: یعنی خدمات آموزشی و پرورشی در هر جایی که عشایر حضور دارند، قابل ارائه است. به عبارت دیگر، همراه کوچ عشایر، آموزش و پرورش (مدرسه) نیز کوچ می‌کند.

۲. به صورت ثابت: یعنی عشایری که یکجانشین شده‌اند، اما روستایی محسوب نمی‌شوند و باید خدمات آموزشی و پرورشی را دریافت کنند. لذا آموزش و پرورش عشایر خدماتش را در محل اسکان آنان ارائه می‌کند.

۳. نیمه‌سیار: یعنی متناسب با زندگی عشایر و منعطف با دیرآغازی و زودپایانی مدرسه‌ها و فصل‌ها و ماه‌های سال در تقویم عشایر، آموزش و پرورش به ارائه خدمات می‌پردازد.

لازم به ذکر است، اکثر مدرسه‌های ابتدایی در مناطق عشایری (بیش از ۷۰ درصد) به صورت چندپایه اداره می‌شوند و علت این امر هم تعداد اندک دانش‌آموزان است. دیگر اینکه اغلب کلاس‌ها سیار هستند، بدین معنی که در طول سال تحصیلی حداقل یک بار کوچ درون یا برون‌استانی دارند. به عبارت دیگر، در شیوه نخست به‌طور کلی صرفاً دانش‌آموزان ابتدایی خدمات آموزشی و پرورشی را دریافت می‌کنند. چون در دوره ابتدایی و به‌ویژه دوره اول (سه پایه اول) آن، به تجهیزات زیادی نیاز نیست و حمل و نقل تجهیزات مشکل‌آفرین نخواهد بود. همچنین، ساختمانی هم برای تشکیل کلاس وجود ندارد و کلاس‌ها غالباً در چادر برگزار می‌شوند. در شیوه دوم و سوم که شامل مدرسه‌های تقریباً پرجمعیت (در بین عشایر) است، مدرسه‌های ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم را هم پوشش می‌دهد.

تنها تفاوت شیوه دوم با سوم در این است که دانش‌آموزان شیوه دوم تمام طول تحصیل را به‌صورت کامل در مدرسه حضور دارند اما در مدرسه‌های نیمه‌سیار، فرزندان عشایر مدرسه را همراه با دیگران به پایان نمی‌رسانند و زودتر از بقیه مدرسه را ترک می‌کنند.

بحث اصلی

در خصوص حرفه‌آموزی و آموزش مهارت در مناطق عشایری با دو دیدگاه کلی مواجه هستیم:

**نگاه «بوم‌گرایی»
از عدالت آموزشی
دور است، زیرا
دانش‌آموزان
مناطق عشایری
را، با محدود
کردنشان به
رشته‌های بومی
از حق طبیعی
خود، یعنی انتخاب
آزادانه و اختیار،
محروم می‌کند**

برخی معتقدند در مناطق عشایری می‌باید رشته‌های مرتبط با بوم ارائه شوند تا هم رشته‌های بومی زنده بمانند و هم در عمل به کار آیند. یعنی تحصیل به فراخور زندگی و پاسخ‌گویی مسائل پیچیده آن باشد و دانش‌آموزان را برای زندگی بهتر در این زیست‌بوم آماده سازد. در مقابل عده‌ای هم هستند که اظهار می‌دارند، نگاه «بوم‌گرایی» از عدالت آموزشی دور است، زیرا دانش‌آموزان مناطق عشایری را، با محدود کردنشان به رشته‌های بومی از حق طبیعی خود، یعنی انتخاب آزادانه و اختیار، محروم می‌کند. در حالی که دانش‌آموزان سایر نقاط، آزادانه و با اختیار تام به گزینش رشته‌های تحصیلی می‌پردازند و با اختیار کامل در رشته‌های نظری یا فنی و حرفه‌ای متنوع تحصیل می‌کنند.

برایید ببینیم عدالت و عدالت آموزشی چیست و چگونه در مناطق عشایری به اجرا در می‌آید. با بررسی منابع درمی‌یابیم که عدالت معانی متفاوتی دارد. چون وجوه پرداختن به این امر متفاوت است، لذا صرفاً به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

عدالت: «نهادهای هر چیزی به جای خود؛ حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی؛ به تساوی تقسیم کردن.»
اما **شهید مطهری** می‌فرماید: «عدالت عبارت است از اینکه آن استحقاق و آن حقی که هر بشری

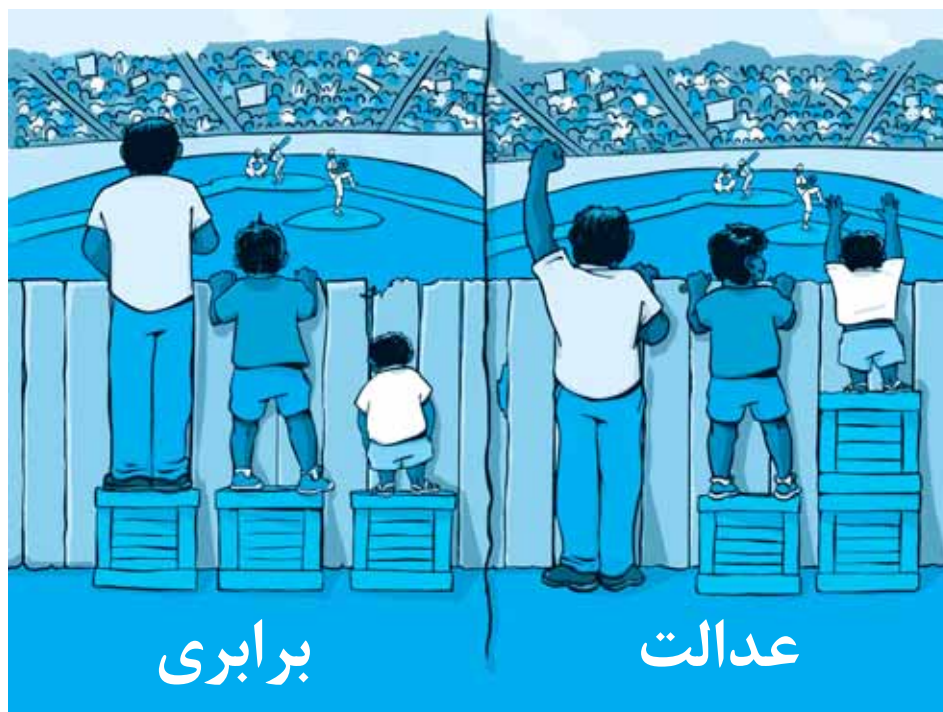
به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است، به او داده شود» [مجموعه آثار، جلد ۱۸].

یکی از مظاهر عدالت، عدالت اجتماعی است که همه افراد جامعه از آن برخوردار می‌شوند و به معنای رعایت تناسب، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها در ساحت اجتماع است و رعایت آن باعث ارتقای جامعه می‌شود. پایه اصلی این نوع عدالت، عدالت آموزشی است.

عدالت آموزشی به دلیل کاربرد اصلی آن در تربیت منابع انسانی و ایجاد شرایط عادلانه برای بهره‌گیری از آموزش، بستری مطلوب برای ورود به عرصه توسعه را فراهم می‌کند. در نتیجه به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه توسعه به دنبال برابری فرصت برای آحاد جامعه است. اما در تبیین عدالت آموزشی باید گفت که عدالت آموزشی صرفاً برابری محسوب نمی‌شود، چنانکه در تصویر ۱ ملاحظه می‌شود، عدالت با برابری تفاوت دارد.

عدالت آموزشی در این مقاله دو وجه دارد: اول برابری در دست یافتن به آموزش (دسترسی) که شامل مدرسه، تجهیزات اولیه، معلم و منابع دیگر است، و دوم کیفیت دسترسی است. یعنی آیا این مدرسه با مدرسه بهترین جای شهر و مدرسه بدترین نقطه ایران از کیفیت مساوی برخوردار است یا نه؟

عدالت آموزشی
فقط در توزیع
کتاب‌ها و فضای
کسب دانش
نیست، بلکه
عدالت آموزشی
در بهره‌گیری از
استادان باتجربه و
نهادهای آموزشی
فعال در بخش‌های
توسعه یافته کشور
است



برابری

عدالت

تصویر ۱.
تفاوت عدالت و برابری

واقعیت این است که تعداد دانش آموزان متوسطه در مناطق عشایری به شدت کاهش یافته است

آموزش مهارت در مناطق عشایری با تمام محدودیت‌هایی که دارد، در مسیر دستیابی به عدالت آموزشی قرار گرفته است

عدالت آموزشی فقط در توزیع کتاب‌ها و فضای کسب دانش نیست، بلکه عدالت آموزشی در بهره‌گیری از استادان باتجربه و نهادهای آموزشی فعال در بخش‌های توسعه یافته کشور است. از این رو لازم است به وجه دیگر عدالت آموزشی، یعنی کیفیت ارائه خدمات نیز توجه ویژه داشت. عدالت آموزشی وجوه گوناگون دارد؛ مثل عدالت آموزشی جنسیتی، شهری، روستایی و عشایری و حتی حاشیه‌نشینی، یکی از وجوه عدالت آموزشی که در این مقاله نیز به آن می‌پردازیم، آزادی انتخاب رشته در دوره متوسطه و به‌ویژه متوسطه فنی‌وحرفه‌ای و کار دانش است.

و اما ...

در جوامعی که به دلایل گوناگون از زیرساخت‌های مناسب برخوردار نیستند، عدالت آموزشی معنای دیگری نیز می‌یابد و چالش‌هایی وجود دارند که معنای وسیع عدالت را محدود می‌سازند و گاه عدالت آموزشی رنگ می‌بازد؛ مثل مناطق عشایری، حاشیه شهرها و ...

از منظر عدالت آموزشی، دانش‌آموزان مناطق عشایری و سایر مناطق هیچ تفاوتی با هم ندارند و می‌باید آزادانه و با اختیار بتوانند رشته‌های مورد علاقه خود را انتخاب کنند و به تحصیل مشغول شوند. می‌باید فضا، امکانات، تجهیزات و فرصت‌های برابر و با کیفیت تربیتی برای همگان مهیا شود. فراگیرندگان و به‌ویژه فراگیرندگان عشایری باید با آگاهی و اختیار دست به انتخاب بزنند، اما واقعیت‌هایی وجود دارند که مانع از اجرای عدالت می‌شوند که اتفاقاً آنچه مورد غفلت واقع می‌شود، همین واقعیت‌ها و تفاوت‌ها هستند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

❖ واقعیت این است که آگاهی‌های لازم و راهبردی عموماً در اختیار فراگیرندگان و خانواده‌های عشایری قرار نمی‌گیرند؛ البته نه از روی عمد، بلکه به دلیل نبود نیروی انسانی کافی. معمولاً مدرسه‌های عشایری نیرویی برای مشاوره دادن به دانش‌آموزان و خانواده ندارند، الا مدیران مدرسه‌ها که اغلب معاون آموزگار یا معاون دبیرند؛ یعنی یک نفر برای چند منظور.

❖ واقعیت این است که تعداد دانش‌آموزان متوسطه در مناطق عشایری به شدت کاهش یافته است و برخی از علل اصلی کاهش دانش‌آموز دوره دوم

متوسطه در مناطق عشایری نیز به قرار زیر است:

✓ کاهش جمعیت در خانواده‌های عشایری؛

✓ کوچ کلی خانواده‌ها از مناطق عشایری به مناطق شهری یا روستایی؛

✓ فراهم‌آوری زمینه تحصیل فرزندان در مناطق شهری از سوی خانواده‌های عشایری؛

✓ توسعه مراکز شبانه‌روزی برای جذب حداکثری دانش‌آموزان عشایری که معمولاً به توسعه رشته‌های نظری انجامیده است؛

✓ ولع کاذب برای ورود به رشته‌های نظری و بی‌توجهی به رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای؛

✓ علاقه نداشتن والدین به ادامه تحصیل فرزندان پس از اتمام دوره ابتدایی یا نهایتاً دوره اول متوسطه.

❖ واقعیت دیگر این است که امکان تأسیس و

راه‌اندازی هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کار دانش به‌صورت مستقل در مناطق عشایری وجود ندارد و

دلیل آن قلت دانش‌آموزان، نبود توجیه اقتصادی و بهره‌وری پایین است. لذا مسئولان عشایر به منظور رعایت حداقل‌ها و جاری کردن حداقل عدالت،

بیشتر به رشته‌های کم‌هزینه که می‌شود به‌صورت ضمیمه تأسیس و راه‌اندازی کرد، روی می‌آورند. در

نتیجه تنوع رشته از میان می‌رود و قدرت انتخاب از هنرجو سلب می‌شود.

❖ علاوه بر این، امکانات و تجهیزات لازم در این مناطق (به‌خصوص مناطق عشایری) وجود ندارد و

دستگاه‌های دیگر همچون سازمان فنی‌وحرفه‌ای و ... نیز امکانات و تجهیزاتی برای این مناطق در نظر نگرفته‌اند، تا با استفاده از آن تجهیزات و امکانات به

راه‌اندازی رشته‌های مورد تقاضا یا مورد نیاز براساس بوم اقدام کنند.

❖ واقعیت دیگری نیز وجود دارد که به خانواده و

اقتصاد آن و همچنین به فرهنگ و سنت‌های قومی و عشیره‌ای مربوط می‌شود. به این معنا که برای کمک

به اقتصاد خانوار از دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل دوره ابتدایی به‌عنوان نیروی کار در محل زندگی و همراه

گله یا در کشاورزی استفاده می‌کنند یا دختران عشایر به خانه بخت فرستاده می‌شوند. علاوه بر

این، برخی از محدودیت‌های قومی و سنت‌ها از ادامه تحصیل دانش‌آموزان دختر ممانعت به عمل

می‌آورند.

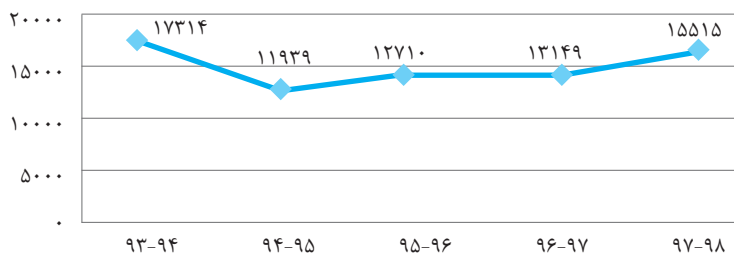
و این‌ها خود سبب کاهش تقاضا برای رشته‌های تحصیلی متنوع و همچنین کاهش هنرجو در

مناطق عشایری می‌شوند. در سال‌های اخیر یکی

جدول ۱. کل دانش‌آموزان متوسطهٔ عشایر در پنج سال

سال تحصیلی	۹۴-۹۳	۹۵-۹۴	۹۶-۹۵	۹۷-۹۶	۹۸-۹۷
کل دانش‌آموزان متوسطهٔ دوم	۱۷۳۱۴	۱۱۹۳۹	۱۲۷۱۰	۱۳۱۴۹	۱۵۵۱۵

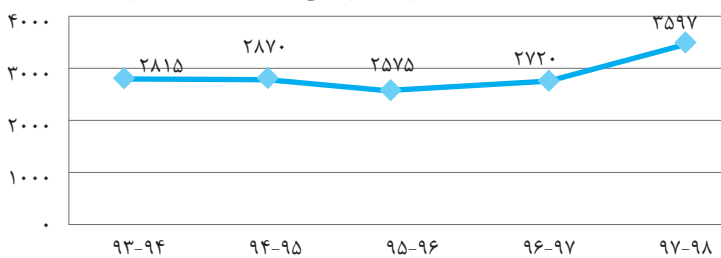
نمودار ۱. تعداد کل دانش‌آموزان متوسطهٔ دوم



جدول ۲. آمار کل دانش‌آموزان فنی عشایر در پنج سال

سال تحصیلی	۹۴-۹۳	۹۵-۹۴	۹۶-۹۵	۹۷-۹۶	۹۸-۹۷
کل دانش‌آموزان فنی	۲۸۱۵	۲۵۷۵	۲۸۷۰	۲۷۲۰	۳۵۹۷

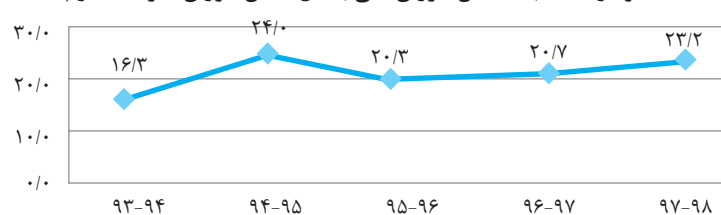
نمودار ۲. تعداد دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای و کار دانش



جدول ۳. نسبت دانش‌آموزان فنی عشایر به کل دانش‌آموزان متوسطه

سال تحصیلی	۹۴-۹۳	۹۵-۹۴	۹۶-۹۵	۹۷-۹۶	۹۸-۹۷
کل دانش‌آموزان فنی	۱۶/۳	۲۰/۳	۲۴/۰	۲۰/۷	۲۳/۲

نمودار ۳. نسبت دانش‌آموزان فنی به کل دانش‌آموزان متوسطهٔ دوم



از سیاست‌های دفتر آموزش و پرورش عشایر توسعهٔ رشته - مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش در این مناطق بوده است. آمارهای موجود در دفاتر آماری بیانگر توفیق نسبی در بسط عدالت و ایجاد رشته - مهارت‌های مورد نیاز در این مناطق بوده است.

جدول ۱ تعداد دانش‌آموزان متوسطهٔ دوم عشایر را نشان می‌دهد که به دلیل اجرای ساختار ۳-۳-۶ منطبق با سند تحول بنیادین، از سال ۱۳۹۴ با کاهش تعداد دانش‌آموز مواجه شده است. هرچند بعد از سال مذکور، با افزایش جمعیت دانش‌آموزی مواجه هستیم و در حال حاضر ۱۵۱۵۱ نفر در دورهٔ دوم متوسطه، اعم از نظری، فنی و حرفه‌ای و کار دانش تحصیل می‌کنند.

در جدول ۲ تأثیر اجرای ساختار ۳-۳-۶ را در سال ۱۳۹۵ می‌بینیم و پس از آن مجدداً با افزایش تعداد دانش‌آموز فنی مواجه هستیم.

در جدول ۳ نسبت دانش‌آموزان فنی (فنی و حرفه‌ای و کار دانش) را نسبت به کل دانش‌آموزان متوسطهٔ دوم ملاحظه می‌کنید که نشان می‌دهد، با وجود روند افزایشی با میانگین کشوری که حدود ۳۴/۶۸ درصد است، فاصله وجود دارد.

سیاست‌های مرتبط با تأسیس رشته‌های فنی، اعم از کار دانش و فنی و حرفه‌ای:

- ❖ متناسب با زندگی و جامعهٔ عشایری و مبتنی بر نیازهای جامعه محلی باشد.
- ❖ هزینه‌های اضافی بر دوش خانواده‌ها بار نشود و متناسب با اقتصاد خانوارهای عشایری باشد.
- ❖ به کارآفرینی و اشتغال منتهی شود.
- ❖ آینده‌نگرانه باشد و به توسعهٔ منطقه‌ای بینجامد.

هدف‌ها:

- ❖ کمک به توازن رشته‌ای در دورهٔ متوسطه؛
- ❖ پاسخ به نیازهای جامعهٔ عشایری؛
- ❖ کمک به ارتقای کیفیت زندگی در مناطق عشایری؛
- ❖ کمک به ارتقای کیفی و کمی مشاغل بومی و صنایع دستی؛
- ❖ افزایش قدرت انتخاب رشته‌های تحصیلی برای دانش‌آموزان؛



جدول ۴: اولویت رشته بر اساس نتایج به تفکیک جنسیت

اولویت‌های زمینه دختران	اولویت‌های زمینه پسران
خدمات	کشاورزی
کشاورزی	صنعت
صنعت	خدمات

در همین مطالعه اولویت‌های زمینه و زیرگروه‌ها به تفکیک جنسیت نیز مشخص شدند که شرح آن در جدول ۵ آمده است.

بر این اساس توصیه شده است، برنامه‌ریزی‌های استانی به نحوی صورت پذیرند که دانش‌آموزان از موقعیت برابر برای ادامه تحصیل برخوردار باشند و تسهیلات و امکانات آموزش و پرورش بر محور نیازهای هنرجویان پسر و دختر شکل بگیرد تا در نتیجه آن، عدالت آموزشی جامه عمل بپوشد. در مطالعه دیگری که توسط کارشناسان دفتر

❖ بهره‌گیری از نیروی کار بومی و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه؛
❖ آماده‌سازی نیروی انسانی ماهر.

وضعیت موجود

در حال حاضر حدود ۳۶۰۰ هنرجو بالغ بر ۸۸ مدرسه فنی و حرفه‌ای و کار دانش به تحصیل اشتغال دارند که چیزی حدود ۴۸ رشته تحصیلی در زمینه‌های سه‌گانه صنعت، خدمات و کشاورزی را شامل می‌شود. در زمینه خدمات ۱۷ رشته، در زمینه کشاورزی ۱۴ رشته و در زمینه صنعت نیز ۱۷ رشته وجود دارد و این تنوع رشته‌ای با وجود محدودیت‌های مناطق عشایری است. اگر زیرساخت‌های لازم مهیا و موانع موجود مرتفع شوند، افزایش رشته‌ها در مناطق عشایری شاهد خواهیم بود. براساس مطالعه‌ای که در «دفتر آموزش و پرورش عشایر» صورت گرفت، اولویت‌ها در مناطق عشایری به تفکیک زمینه به شرح جدول ۴ مشخص شد.

جدول ۵. جدول زیرگروه‌های رشته‌ها به تفکیک جنسیت و اولویت

اولویت‌های زمینه و زیرگروه (دختران)	اولویت‌های زمینه و زیرگروه (پسران)
الف. خدمات: صنایع دستی (هنر فرش و صنایع دستی ظریف)، پوشاک (خیاطی)، پیرایشگری، آشپزی، امور مالی و کامپیوتر	الف. کشاورزی: ماشین‌های کشاورزی، امور دام و طیور، امور زراعی، امور باغی، جنگل و مراتع، شیلات و حشرات مفید (زنبور عسل و کرم ابریشم)
ب. کشاورزی: حشرات مفید (کرم ابریشم)، صنایع غذایی (فراورده‌های آبیان) و امور زراعی (گیاهان دارویی)	ب. صنعت: برق (الکترونیک، الکتروتکنیک)، عمران (ساختمان و معماری)، مکانیک (سازه‌های فلزی، صنایع چوب، عیب‌یابی و تعمیر و صنایع دریایی) و سرامیک (صنایع شیشه‌ای و سفالگری)
ج. صنعت: عمران (معماری)، برق (الکتروتکنیک) و سرامیک (صنایع شیشه‌ای و سفالگری)	ج. خدمات: مالی - اداری (امور اداری و امور بازرگانی)، خدمات غذایی (کنترل تولید مواد غذایی)، هتل‌داری و سیاحتی، حمل و نقل هوایی، پیرایشگری، پوشاک و کامپیوتر

با وجود همه تلاش‌ها برای برقراری عدالت آموزشی در مناطق عشایری، هنوز فاصله با مطلوب زیاد است و مطلوب در اینجا به معنای ورود همه هنر جویان به بازار کار است

بازار کار است. همچنین مشاهده‌ها و مصاحبه‌های صورت گرفته با دانش‌آموزان و هنرآموزان و سایر عوامل سهمیم در تعلیم و تربیت بیانگر موارد زیرند:

- ❖ دانش‌آموزان عشایری اذعان می‌دارند؛ چون رشته‌های دیگری نبود، به این رشته روی آورده‌اند.
- ❖ به دلیل نمره نیاوردن در رشته‌های دیگر به اجبار در کارندانش ثبت‌نام کرده‌اند.
- ❖ بسیاری از رشته‌ها به دلیل نداشتن بازار کار در مناطق عشایری انتخاب نمی‌شوند.

جدول ۶. تعداد فارغ‌التحصیلان مدرسه‌های فنی عشایر و شاغلان آنها

تعداد شاغلین مرتبط	تعداد شاغلین	تعداد فارغ‌التحصیلان
۲۷۶	۸۰۶	۱۹۱۰
۳۴/۲۴	۴۲/۲۰	نسبت به درصد

❖ دختران از انتخاب رشته‌هایی که نیازمند سفر به شهر باشند، به دلیل فرهنگ حاکم بر عشایر، محروم می‌شوند.

❖ و ...

- ❖ لذا برای برقراری عدالت آموزشی پیشنهاد می‌شود:
- بسترهای لازم برای تنوع‌بخشی به رشته‌های فنی در مناطق عشایری مهیا شوند.
- شاخص‌های مربوط به تشکیل کلاس در مناطق عشایری کاهش یابند تا به راه‌اندازی کلاس‌های ضمیمه یا مستقل کمک شود.
- نیروی انسانی لازم برای مشاوره تحصیلی در مدارس عشایری تأمین شود.
- و ...

اطلاعات حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که حدود ۱۰/۵ درصد از فارغ‌التحصیلان مراکز فنی و حرفه‌ای و کارندانش در حال حاضر دانشجوی هستند؛ یعنی متناسب با رشته تحصیلی خود به ادامه تحصیل مشغول شده‌اند. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که آموزش مهارت در مناطق عشایری با تمام محدودیت‌هایی که دارد، در مسیر دستیابی به عدالت آموزشی قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

با وجود همه تلاش‌ها برای برقراری عدالت آموزشی در مناطق عشایری، هنوز فاصله با مطلوب زیاد است و مطلوب در اینجا به معنای ورود همه هنر جویان به

* منابع

۱. مطالعات کارشناسی دفتر آموزش و پرورش عشایر در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷.
۲. امیرعزیدی، طوبی (۱۳۸۵). طرح بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اسکان عشایری، نمونه موردی: اداره امور عشایر استان فارس.
۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار (ج ۱۸). انتشارات صدا. تهران.
4. <https://hawzah.net/fa/Book/View/24362/45271>